



## بررسی نقش بازارچه های مرزی در توسعه پایدار روستاهای مرزی (مطالعه

موردی: بازارچه مرزی قاسم رش در شهرستان سردشت)

دکتر محمد ظاهری

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تبریز

دکتر حسین کریم زاده

استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تبریز

خالد علی پور

دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تبریز

Khaled.alipour@gmail.com

### چکیده

بازارچه های مرزی را می توان در راستای گسترش همکاریهای منطقه ای تلقی کرده و به عنوان بخشی از یک راه حل اقتصادی برای کاهش بحرانهای منطقه ای ، ایجاد کننده ثبات ، در مناطق مرزی و گسترش فعالیتهای تولیدی و تجاری محسوب کرد . در مرزهای اکثر کشورهای در حال توسعه سطح قابل توجهی از نیاز مردم مرزنشینان از طریق مبادلات مرزی انجام می شود. روستاهای مرزی کشور به خاطر داشتن مولفه های مشترکی چون انزوای جغرافیایی ، فقر محیطی ، دوری از قطبهای صنعتی و علمی داخل و ضعف راههای ارتباطی در قیاس با مناطق مرکزی کشور از وضعیت اقتصادی نامطلوب و آمار بیکاری بالاتری برخوردارند و این امر سبب شده است که این مناطق در چند دهه اخیر در زمره مناطق مهاجر فرست کشور قرار گیرند . که علاوه بر تخلیه مناطق مرزی که به لحاظ امنیتی و سیاسی برای یک کشور چندان مناسب نیست . یکی از راهکارهایی که به منظور توسعه روستاهای مرزی و اشتغال زایی در آن و نیز جلوگیری از روند مهاجرت مرزنشینان از سوی وزارت کشور در نظر گرفته شده است ، تاسیس بازارچه های مرزی مشترک در نقاط صفر مرزی میان ایران و کشورهای همسایه می باشد. روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و میدانی می باشد. هدف تحقیق بررسی نقش بازارچه مرزی قاسم رش در توسعه پایدار روستاهای مرزی شهرستان سردشت می باشد.

**کلمات کلیدی:** بازارچه مرزی قاسم رش، توسعه پایدار روستاهای مرزی، شهرستان سردشت

## مقدمه و بیان مساله

روستا واحدی طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اداری است که فعالیت عمده ساکنان آن را کشاورزی تشکیل می‌دهد و تولید در آن عمدتاً بر مبنای واحدهای بهره‌برداري خانوادگی جریان دارد (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۲). طبق این تعریف و براساس آخرین گزارش‌های سرشماری نفوس و مسکن ۲۸/۵ درصد از جمعیت کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). از این رو، توجه به توسعه روستایی ضروری و لازمه توسعه ملی است. از سوی دیگر، برنامه‌ریزی کوششی است سازمان‌یافته و آگاهانه بر ای انتخاب بهترین وسایل ممکن به منظور رسیدن به اهداف یا هدفی مشخص است (جمعه‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳۴). از سوی دیگر نظام برنامه‌ریزی کشور، نظامی است چند سطحی، که مهمتر از تعدد سطوح آن، ارتباطاتی است که این سطوح با یکدیگر برقرار می‌نمایند. بر اساس این ارتباطات، تعامل میان مسئولین و برنامه‌ریزان که در سطوح مختلف کار می‌کنند تنظیم می‌شود. به این ترتیب، هر چه یک نظام برنامه‌ریزی، منظم‌تر و از یکپارچگی بیشتری برخوردار باشد، کارایی آن بیشتر می‌شود، در رابطه با کشوری مانند ایران که حدود ۶۰ سال سابقه برنامه‌ریزی توسعه را تجربه کرده است، ولی هنوز با مشکلات اساسی مواجه است، شناخت نظام مند (سیستماتیک) ارتباط بین اجزاء نظام برنامه‌ریزی و جایگاه هر جزء در کل نظام، اهمیت ویژه‌ای دارد (عندلیب، ۱۳۸۸). به طور کلی نظام برنامه‌ریزی توسعه هر کشور بسته به اهداف، مکان، زمان و سطوح مدیریت در آن کشور، دارای سلسله مراتب سیستمی است. بر اساس این نظام، انواع برنامه‌ریزی ممکن است به کارگرفته شود. از نظر اهداف کیفی؛ می‌توان انواع برنامه‌ریزی‌های تعدیلی، بدعتی، اخباری، دستوری، اختصاصی و ارشادی را به کار گرفت. از نظر اهداف کمی؛ انواع برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فضایی، فیزیکی - کالبدی و آمایش سرزمین، می‌توان مورد استفاده قرار داد. از نظر سطوح جغرافیایی نیز، می‌توان برنامه‌ریزی سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی را طراحی کرد. از نظر سطوح کلی؛ برنامه‌ریزی کلان و برنامه‌ریزی خرد و از نظر مدیریتی؛ برنامه‌ریزی بر حسب سطوح تصمیم‌گیری، مدیریت استراتژیک، تاکتیکی، فنی و عملیاتی طراحی می‌شود. از نظر مدت اجرا، میتوان برنامه‌ریزی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه مدت را تدوین کرد و از منظر مدیریت طرح‌های فضایی - کالبدی، امروزه، طرح‌های راهبردی (استراتژیک)، ساختاری و محلی را تدوین می‌نمایند (تودارو، ۱۳۶۳ به نقل از عندلیب، ۱۳۸۸). روشن است که هرچند تقریباً همه جا از اهمیت توسعه روستایی در فرایند توسعه ملی سخن به میان می‌آید؛ اما به واسطه نبود برنامه مشخص و استراتژیک در کشور، نبود هدف گذاری دقیق و درست و نیز فقدان تعریفی واحد از راهبردها و سیاست‌های اجرایی مناسب به ویژه در بین دو گروه از ارائه‌دهندگان راهبرد و سیاست‌گذاران اجرایی در برنامه‌های کلان عمرانی، پیوسته به روستاها توجه لازم و کافی نشده است (نوری و شاپورآبادی، ۱۳۹۲ به نقل از سعیدی، ۱۳۸۲: ۲۰۸). با عنایت به کارکردهای توسعه پایدار روستایی رسالت اصلی روستاها تولید محصول و حفظ محیط زیست و بهره‌برداری از منابع خاک و بستر مناسبی برای گردشگری است، که در کنار این کارکردها روستاهای مرزی افزون بر نقش ترانزیتی کالا و خدمات، پیوند مبادلات شهری و روستایی با دیگر نقاط جهان بر عهده دارند و از بعد بازرگانی، با صدور کالاهای صادراتی افزون بر گسترش رونق اقتصاد ملی، استمرار فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی صادرکنندگان کشاورزی و روستایی را تضمین می‌کند. لذا می‌توان اظهار نمود کارکرد دفاع از مرزهای ملی یکی از کارکردهای روستاهای نواحی مرزی می‌باشد. یکی از دغدغه‌های دولت‌ها، سیاستمداران و برنامه‌ریزان توسعه در قرن حاضر، توسعه روستاست؛ توسعه هماهنگی که مانع از تمرکز سرمایه در یک منطقه و رشد ناهمگون جامعه گردد و از دید اقتصادی کارا و سودآور باشد. بر همین اساس برای تحقق توسعه روستایی که به نوعی متضمن تقویت یکپارچگی، هویت و امنیت ملی است، ضرورت دارد که مناطق دور افتاده و محروم به لحاظ برنامه‌های توسعه‌ای از حقوق توسعه یافته‌ی برخوردار شوند (طالب، ۱۳۸۷: ۲۲۶). در حال حاضر دستیابی به رشد و توسعه پایدار یکی از مباحث عمده کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود و کشورهای در حال توسعه برای جبران عقب‌ماندگی‌ها، فرار از فقر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و برای رسیدن به توسعه‌ای متعادل و همه‌جانبه که بتواند به بهبود وضع زندگی همه مردم منجر گردد، نیازمند شناخت صحیح و برنامه‌ریزی‌های مناسب و بهینه در سطح ملی و منطقه‌ای است (نظم‌فر و پادروندی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). هدف برنامه‌ریزی تبدیل وضعیت موجود به وضع مطلوب، پیشرفت و آبادانی در نظر گرفته شده است. بدیهی است در گام نخست برای رسیدن به وضع مطلوب باید شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ای از وضع موجود داشت؛ چنین

شناختی تنها از طریق علم جغرافیا آن هم به صورت دینامیک و براساس نگرش سیستمی امکانپذیر خواهد بود (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

ویژگی هائی چون دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونت، تفاوت های فرهنگی، تهدیدات خارجی، تبادلات مرزی و... اهمیت ویژه ای را در برنامه ریزی های توسعه، امنیت و آمایش کشور به این مناطق داده است. دوری از مرکز به خصوص در نظام های حکومتی بسیط باعث عقب ماندگی مناطق مرزی از حیث توسعه همه جانبه شده و این مناطق را از نظر شاخص های توسعه در پایین ترین حد قرار داده است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۸۱). چنین دغدغه هائی موجب شده است که مناطق مرزی و تاثیرات مرزی در تحقیقات توسعه ای اعم از اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیک مورد توجه قرار گیرند زیرا که این استنباط و تصور ایجاد شده است که این مناطق جغرافیایی ویژه موجب سازگاری، همسانی اقتصادی، تثبیت امنیت و پایداری جمعیت می گردند (Niebuhr, 2002, VI).

در واقع اقتصاد مناطق مرزی خود می تواند نقش اساسی در ترقی، پیشرفت و توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد و همگرایی اقتصادی نواحی مرزی داشته باشد (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۳). یکی از تمهیدات لازم برای پویا کردن اقتصاد نواحی مرزی، توسعه مبادلات مرزی در قالب های قانونمند و تسهیل شده (بازارچه های مرزی) است که می تواند محرک خوبی برای افزایش مبادلات رسمی، شکوفایی مزیت های نسبی و گسترش همکاری ها و توسعه بازارهای بین منطقه ای، تثبیت قیمت ها، جهت دهی سودهای تجاری، افزایش اشتغال و رفاه برای جامعه مرزنشین باشد (کامران و همکاران، ۱۳۸۸: ۹). بانک جهانی در سال ۱۹۷۵ اعلام کرد توسعه روستایی راهبردی است که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه های مشخصی از روستائیان فقیر طراحی شده است (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۰۴). توسعه روستا بدون در نظر گرفتن زمینه های اجتماعی و اقتصادی کلی تری که روستا جزئی از آن است، محقق نمی شود، به ویژه در مورد روستاهایی که در مناطق مرزی قرار گرفته اند و محدودیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ویژه ای دارند. برای تحقق توسعه پایدار که به نوعی تقویت و یکپارچگی هویت و امنیت ملی را نیز تضمین می کند، ضرورت دارد تا مناطق مرزی، دورافتاده و محروم در سطح ملی از نظر برنامه های توسعه ای به حقوق توسعه یافتگی خویش دست یابند. برنامه های توسعه روستایی در راستای برنامه های توسعه هر کشور با بهبود شرایط زندگی ساکنان فقیر و کم درآمد روستایی و خوداتکایی طراحی و اجرا می شوند. هدف از این برنامه ها، تغییر ساختار اجتماعی و اقتصادی و بهبود شرایط اکولوژیکی حاکم بر جامعه روستایی است. مجری و کارگزار در این برنامه ها دولت است (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۲۶۶). با توجه به این که مناطق مرزی ایران دارای ۱۶ استان و مناطق مرکزی دارای ۱۴ استان است و حدود ۵۰ درصد مساحت و ۴۹ درصد جمعیت کشور متعلق به مناطق مرزی است، این امر بیانگر آن است که ۵۰ درصد توسعه کشور باید در مناطق مرزی متمرکز گردد، تا تعادل های منطقه ای در الگوی فضای ناحیه ای ایران برقرار شود (ایلکا و دین پناه، ۱۳۹۰: ۳۰). مناطق مرزی، از نقاط حساس و استراتژیک کشور به شمار می روند. طبیعت منزوی و غیر حاصل خیز مرزی، به خصوص در عرصه های کوهستانی و بیابانی ایران پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه های لازم برای زندگی، زمینه ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت های وقت بوده است. ناتوانایی های بالقوه در تولید، فقدان اشتغال، پایین بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، عمده ترین مشخصه اقتصادی- اجتماعی این مناطق است که زمینه را برای معضلات و نابه سامانی هایی چون مهاجرت، قاچاق کالا، شورش و ناامنی در این مناطق فراهم آورده است (سازمان مدیریت، ۱۳۷۸: ۴۹). خالی شدن مرزها از سکنه و مهاجرت مرزنشینان به شهرهای بزرگ بر اثر فقدان انگیزه های لازم برای زندگی در این مناطق در گذشته تقریباً روند رو به افزایشی داشته است که تاثیر آن در امنیت مرزها به وضوح قابل لمس بود (وزارت بازرگانی، ۱۳۷۹: ۱). از آنجا که حفاظت از مرزهای هر کشور از مهمترین مسایل حکومت است، دولت ها در یکصدسال اخیر حاکم بر کشورمان سیاست های متعددی را برای مرزنشینان اتخاذ نموده اند. این سیاست ها عمدتاً به منظور کاهش بحران بیکاری، فقر، مفساد گوناگون اجتماعی، ایجاد اشتغال، کاهش قاچاق کالا، برقراری عدالت اجتماعی، کاهش انگیزه های مهاجرت و... بوده است. توجه به امور اقتصادی مردم به نوعی در خدمت اهداف سیاسی بوده است؛ زیرا رفاه اقتصادی، مردم را ترغیب به ماندن در مرزها نموده و حفاظت از مناطق مرزی را برای حکومت تسهیل می کرده است. همچنین مرزنشینان به هنگام بروز بحران های سیاسی، مثل جنگ، مدافعان اولیه و اصلی حدود و ثغور کشورند. لذا مسائل مردمان مناطق مرزی نیز در کانون توجه

انان قرار می‌گیرد. دیگر اینکه گستردگی طول مرزهای کشور و کوهستانی و صعب العبور بودن مرزها در اکثر نقاط، عملیات مرزبانی و کنترل مرزها را بدون مساعدت مرزنشینان مشکل کرده است که این خود یکی از عوامل گسترش قاچاق و دشواری های مبارزه با آن است. بنابراین، امروزه عدم کنترل و عملیات پنهان قاچاق کالا موجب شده است تا دولت‌ها در سالم سازی مناطق مرزنشین، به شیوه نوینی از همکاری های منطقه ای هدایت شوند. این گونه همکاری ها در قالب بازارچه های مرزی، از شناخته ترین روش های توسعه اقتصادی مناطق مرزنشین به شمار می رود (فخر فاطمی، ۱۳۸۳: ۲). که در نوع خود، تحولی بنیادی در تولید؛ اشتغال؛ تثبیت جمعیت مرزنشین، کاهش قاچاق، افزایش سطح درآمد و به تبع آن افزایش رفاه، شکوفایی و توسعه صنایع دستی و محلی، کاهش حجم قاچاق کالا، اهداف امنیتی، از جمله تامین امنیت اقتصادی، ایجاد امنیت سیاسی مرزهای زمینی، ایجاد امنیت اجتماعی و نهایتاً یک توسعه پایدار ناحیه ای که از جمله اهداف این بازارچه ها بوده، ایجاد می نماید (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱: ۹-۸). بررسی های انجام شده در مناطق مرزی مختلف کشور، اشاره به عدم تعادل های اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی میان مناطق مرزی و مرکزی دارند. به عقیده جونز و وایلد (۱۹۹۴)، مناطق مرزی به عنوان مناطق حاشیه ای و توسعه نیافته شناخته می شوند. این حاشیه ای بودن می تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، اما به هر حال پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت های آن منطقه را مضمحل می سازد. آنها معتقدند که با برقراری مرز بین دو کشور، فضاهایی که به یکدیگر متصل اند و تداوم فضایی را تأمین می کنند از یکدیگر می گسلند و حاشیه ای می شوند. این حاشیه ای شدن علت عقب ماندگی نواحی مذکور است. مناطق مرزی به دلیل قرار گرفتن در انزوای جغرافیایی و دور بودن از مناطق صنعتی - اقتصادی، جزء مناطق محروم و توسعه نیافته محسوب می شوند. ناتوانی های بالقوه طبیعی و اقتصادی برخی از این مناطق، خصوصاً در زمینه های کشاورزی، صنعت، مهاجرت، تفاوت ها و عدم تعادل های منطقه ای و فضایی بین مناطق مرکزی و مرزی به دولت های وقت این امکان را داد که در خصوص محرومیت زدایی، ایجاد اشتغال، نگه داشت جمعیت، ممانعت از تخلیه مناطق مرزی و وقوع قاچاق، تمهیداتی را در مبادلات بازرگانی نواحی مرزی ایجاد کنند (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۷: ۶). در صورتی که دولت به این مناطق بی توجهی نشان دهد، این مناطق با چالش های اجتماعی، امنیتی، و فرهنگی از قبیل مهاجرت، فقر، قاچاق، فرهنگ پذیری و مشکلات امنیتی مواجه می شوند. به منظور مقابله با مشکلات مذکور، دولت در سال ۱۳۶۷ به طور غیررسمی و در ۱۳۷۲ به صورت رسمی اقدام به تأسیس بازارچه های مشترک مرزی کرد. اکنون تعداد این بازارچه ها به ۵۲ بازارچه در سطح کشور رسیده است و از گام های مؤثر در جهت نگه داشت جمعیت و ایجاد اشتغال در مناطق مرزی به شمار می آیند. بازارچه در مقیاسی خرد و کوچک تعریف می شود و دارای شرایط و قوانین ویژه ای است که آن را از مفهوم بازار متمایز می کند. مسلماً این قوانین و خصوصیات برحسب شرایط پیرامونی هر بازارچه متفاوت است (اداره کل مقررات صادرات و واردات، ۱۳۸۰: ۲۲). بازارچه مرزی محوطه ای است محصور واقع در نقطه صفر مرزی و در جوار گمرکات مجاز به انجام تشریفات ترخیص کالا که اهالی دو طرف می توانند کالا و محصولات مورد نیازشان را با رعایت مقررات صادرات و واردات در این بازارچه ها عرضه کنند. مبادلات منطقه ای، همواره یکی از قدیمیترین ابزارهای رشد، توسعه و رفاه اجتماعی مناطق مرزی بوده است. در مرزهای اکثر کشورهای در حال توسعه، سطح قابل توجهی از نیاز مردم مرزنشین از طریق مبادلات مرزی تأمین می شود. اینگونه مبادلات در جهت توسعه محلی و توسعه تجارت و همکاری های منطقه ای مفید بوده است. کشورهایی که سطح بالایی از آزادی تجارت دارند، معمولاً ثروتمندتر از سایر کشورها هستند، بنابراین ارتباط مستقیمی بین فقر و تجارت وجود دارد. تجارت می تواند فقر را شناسایی، نابرابریها را کاهش و آزادی را به میزان بسیار زیادی افزایش دهد (فانگا فانگا، ۲۰۰۷: ۲۰). به نقل از افتخاری و همکاران، (۱۳۸۷). از این رو برنامه ای کردن چنین مبادلات و جریانهایی در نوع خود به توسعه و گسترش بازارهای محلی، ایجاد صلح و ثبات در مناطق مرزنشین و بالاخره بهبود امنیت و زیرساختها و خدمات مورد نیاز منطقه کمک می کند (مراتب، ۱۳۸۴: ۲). در طول تاریخ، ضعف بنیان های تاریخی، دورافتادگی و در حاشیه قرار گرفتن نقاط مرزی، پراکندگی جمعیت و شرایط اقلیمی نامناسب از جمله عواملی اند که باعث تشدید گرایش ساکنان نقاط مرزی به بازارهای کشورهای همسایه شده است (وزارت بازرگانی، ۱۳۷۹). نیاز کشوری همانند ایران به فرآیند توسعه، خصوصاً توسعه روستایی در مناطق مرزی محروم بسیار مشهود است. ایران دارای استان ها و شهرستان های متعدد مرزی است، نوع تعاملات ساکنان این مناطق با مردمان آن سوی مرز، تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی ویژه ای را رقم می زند و ساماندهی به این تعاملات جز در

پرتو مدیریت هوشمندانه میسر نیست (اسماعیل زاده، ۱۳۸۷: ۴). بنا به دلایل فوق، بازارچه های مرزی می تواند نقشی اساسی در توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، شروع روابط دوستی، آشنایی و تسریع همکاری های بیشتر بین نواحی مرزی داشته باشد (چاندویت، ۲۰۰۴: ۱۴۵، به نقل از قادری حاجت و همکاران، ۱۳۸۹). اساس ایجاد بازارچه های مرزی این است که دستاوردهای آنها به مرزنشینان تعلق گیرد. از جمله کارکردهای بازارچه ها، ایجاد مزیت های نسبی در تولید و فعالیت های بازرگانی در دو سوی مرزها، تأسیس سطح مطلوب اشتغال در مناطق مرزی و ایجاد اشتیاق در کشورهای همسایه به منظور توسعه مبادلات و بهبود روابط تجاری با ایران است. با توجه به شرایط موجود در مناطق مرزی ما، به ویژه روستاهای مرزی، یکی از بهترین شیوه ها برای توسعه ی روستاهای مرزی ایجاد بازارچه های مرزی می باشد. اگر این بازارچه ها بتواند در خدمت مردم مرزنشین باشد می تواند منجر به اشتغال مستقیم و غیرمستقیم آنها شوند و با گسترش فعالیتش منجر به کاهش قاچاق کالا و موادمخدر می شود و مردم به فعالیت های اقتصادی ناسالم گرایش پیدا نمی کنند (علمدار، ۱۳۹۲: ۱۷). شهرستان سردشت دارای سه بازارچه قاسم رش، اشکان و کیله می باشد که در فاصله ی ۱۰ تا ۱۲ کیلومتری از شهرستان سردشت قرار گرفته اند. در واقع مبادلات مرزی به عنوان یکی از عوامل عمده و تأثیرگذار در مناطق مرزی علاوه بر سرعت بخشیدن به تجارت در امر صادرات غیر نفتی، در رشد و شکوفایی و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی-سیاسی و کالبدی-فضایی منطقه نیز مفید بوده و موجبات اشتغال غیر مستقیم عده زیادی از ساکنان منطقه را نیز در ارتباط با حمل و نقل و تهیه کالاهای صادراتی فراهم آورده است. با توجه به اهمیت روستاهای مرزی و وجود مسائلی از قبیل تراکم کم جمعیت، پراکندگی روستاها، کمبود زیر ساخت های توسعه و ضعف بنیان های اقتصادی، محرومیت و توسعه نیافتگی شدید و وضعیت نامتعادل و نابرابر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و کالبدی، نیازمند ایجاد و توسعه بازارچه های مرزی در روستاهای مرزی است.

### مبانی نظری تحقیق

#### بازارچه های مرزی

محدوده ای است کاملاً محصور شده که از دو طرف خط مرزی دو کشور ایجاد می شود و دارای قوانین، محدودیتهای خاص خود می باشد به منظور اشتغال، توسعه مناطق مرزی، توسعه صادرات غیر نفتی، انتقال تکنولوژی، راه اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی و نهایتاً منجر به رشد و توسعه کشور خواهد شد (کاشفی، ۱۳۸۴: ۲). منافع ایجاد شده توسط بازارچه های مرزی را می توان از چند زاویه مورد توجه قرار داد که شامل: ۱- منافع اولیه ۲- منافع توسعه ای

منافع اولیه: که شامل منافع مستقیم، منافع غیر مستقیم، منافع ملموس و منافع ملی می باشد.

منافع مستقیم: منافع مستقیم که بازارچه ایجاد می کند به صورت افزایش رفاه مصرف کنندگان و تولید کنندگان است که به صورت افزایش عرضه کالا و خدمات و سود ناشی از آن خود را نمایان می سازد.

منافع غیرمستقیم: شامل عوارض و مالیاتی است که دولتها از ایجاد بازارچه ها به دست می آورند، افزایش شرکتهای فعال در امر صادرات و واردات، رشد منافع در اثر ایجاد واردات مواد اولیه و همچنین اشتغال ایجاد شده توسط بازارچه ها از منافع غیر مستقیم می باشد.

منافع ناملموس: این منافع را می توان به صورت عدم نگرانی مردم نسبت به تأمین کالاهای ضروری عنوان کرد.

منافع ملموس: این منافع شامل منفعی است که اهداف دولتها را برآورده می سازد شامل بهینه تر شدن توزیع درآمد، افزایش سطح اشتغال، افزایش امنیت و.. می باشد.

اثرات توسعه ای: شامل اثرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می باشد.

اثرات اقتصادی: راه اندازی بازارچه های مشترک مرزی به ویژه در غرب و شرق کشور باعث شده تا تجار غیربومی به واسطه حضور و بهره مندی تسهیلات بازارچه ای از مناطق مذکور دیدن و از قابلیت های اقتصادی و توانمندبهای کشاورزی، صنعتی و معدنی استانهای مرزی و مرزهای کشورهای همسایه اطلاع حاصل نمایند.

اثرات اجتماعی: از اثرات اجتماعی قابل ذکر این بازارچه حضور افراد غیر بومی در این مناطق به ویژه در غرب و شرق کشور می باشد که این امر موجب آشنایی و ارتباط نزدیکتر جامعه تجاری کشور با یکدیگر و همچنین آشنایی بیشتر با فرهنگ منطقه و کاهش فاصله های ایجاد شده به واسطه مشکلات منطقه ای شده است .

اثرات سیاسی: اثرات سیاسی این بازارچه ها به ویژه در شرق و غرب کشور که از ثبات سیاسی برخوردار نبوده محسوس و قابل توجه است . در مرزهای شرقی کشور به ویژه افغانستان به واسطه سیاستهای متعادل جمهوری اسلامی ایران همواره تمایل به ارتباط بسیار زیاد بوده است ( پیشرو ، ۱۳۷۹ :۶).

### روستاهای مرزی

در منابع مختلف، تعاریف گوناگونی از روستا شده است، که یکی از تعاریف که هم جامع به نظر می رسد و هم می توان با توجه به شرایط امروزی از یک روستا یاد کرد این است: که روستا عمدتاً یک واحد همگن طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است که از یک مرکز جمعیت و محل کار و سکونت ( اعم از متمرکز، پیوسته و یا پراکنده) با حوزه و قلمرو معین ثبتي و یا عرفی تشکیل می شود و اکثریت ساکنان شاغل دائمی آن به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به یکی از فعالیتهای اصلی زراعی، باغداری، دامداری، صیادی، صنایع روستایی و یا ترکیبی از این فعالیتها اشتغال دارند و از آن ارتزاق می نمایند و پیوند فرهنگی و اجتماعی عمیقی ما بین جامعه آن برقرار است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲:۳۱). کلیه ی روستاهای دارای سکنه واقع در بخش های مرزی کشور و یا کلیه ی روستاهای دارای سکنه واقع در عمق نوار مرزی کشور بر اساس معاهدات بین المللی میان ایران و سایر کشورهای همسایه به عنوان روستاهای مرزی شناخته می شوند (دفتر برنامه ریزی توسعه روستایی وزارت جهاد، ۱۳۸۸:۴۴). این سکونتگاه ها به صورت شبکه ای و تعاملی با کارکردهای محیطی، اجتماعی و اقتصادی، نوعی سازمانیابی فضایی با تعاملات درونی و بیرونی را شکل می بخشند که می توانند در بقاء، پیوستگی، همگرایی، پایداری و توسعه سرزمین و پیکربندی ملی یک کشور نقش اساسی ایفا نمایند (مهندسین مشاور وزنا، ۱۳۸۸:۷۳).

### روش تحقیق

روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و میدانی می باشد.

### منطقه مورد مطالعه

شهرستان سردشت دارای موقعیت ۴۵ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و ۳۶ درجه و ۹ دقیقه و ۱۵ ثانیه شمالی از عرض جغرافیایی می باشد. این شهرستان با وسعتی بالغ بر ۱۴۱۱ کیلومتر در جنوب غربی استان آذربایجان غربی واقع شده است. ارتفاع شهرستان سردشت از سطح دریا ۱۷۸۹ متر است که از شمال غربی به شهرستان پیرانشهر، از جنوب به استان کردستان و عراق، از غرب به کشور عراق، از شمال شرقی به شهرستان مهاباد و از شرق به شهرستان بوکان منتهی می شود و ۹۶ کیلومتر با کشور عراق مرز مشترک دارد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ این شهرستان دارای ۱۱۱۵۹۰ نفر جمعیت می باشد. از این تعداد ۴۵٪ در شهر و حدود ۵۵٪ آن در مناطق روستایی زندگی می کنند. سردشت مجموعاً دارای ۲۶۸ روستای دارای سکنه و غیر ساکن می باشد (اطلس گیتاشناسی، ۱۳۹۰).

### بازارچه مرزی قاسم رش

بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی، در حدود ۲۰ کیلومتری شمال غربی شهرستان سردشت احداث گردید. این بازارچه در مجاورت روستاهای کانی زرد، مزعه و نوکان قرار دارد. این بازارچه با کردستان عراق هم مرز بوده و فاصله آن تا اولین شهر کشور عراق ۳۰ کیلومتر می باشد، این بازارچه در سال ۱۳۷۵ شروع به فعالیت کرده است، بازارچه ذکر شده ۶۰۰ متر مربع مساحت دارد که دارای ۴۶ غرفه و ۲ تعاونی می باشد که تقریباً در مجموع حدود ۸۰۲ نفر به صورت پیمانه و انفرادی در آن مشغول هستند.

## توسعه روستایی

تاکنون تعاریف زیادی درباره توسعه روستایی مطرح شده است. توسعه روستایی، جزئی از برنامه‌های توسعه هر کشور است که برای دگرگون‌سازی ساخت اجتماعی-اقتصادی جامعه روستایی بکار می‌روند. این امر در میان کشورهای جهان سوم که دولت‌ها نقش اساسی در تجدید ساختار جامعه به منظور هماهنگی با اهداف سیاسی و اقتصادی خاصی به عهده دارند، مورد پیدا می‌کند (رضوانی، ۱۳۹۰: ۴۱). از سوی دیگر توسعه روستایی را می‌توان در بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم درآمد ساکن روستا و خودکفاسازی آنان در روند توسعه کلان کشور دانست (جمعه پور، ۱۳۸۷: ۷۶). بطور کلی ضرورت توجه به توسعه روستایی ناشی از عوامل زیر است:

- توسعه کشاورزی؛
  - توزیع بهینه جمعیت؛
  - استفاده از ظرفیت‌های استراتژیکی و امنیتی؛
  - بازسازی ظرفیت‌های تولیدی؛
  - بازسازی اقتصاد کشور.
  - عدالت اجتماعی، رفع فقر و محدودیتهای اجتماعی (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۹۵).
- اقتصاد کشورهای جهان سوم از جمله کشور ما اغلب بر تولیدات کشاورزی متکی است و فعالیتهای کشاورزی هم، غالباً در روستاها انجام می‌شود. لذا از یک طرف به خاطر بهبود بخشیدن به روشهای سنتی تولیدات کشاورزی و بهره برداری بهینه از زمین و منابع تولید و توزیع محصولات کشاورزی و از سوی دیگر تخفیف گرسنگی و محو فقر و از طرف دیگر به منظور نوسازی اجتماعی و فرهنگی روستاها که خود منبعث از توجه به مسائل انسانی و ضرورت‌های سیاسی است، موضوع توسعه روستایی و اهمیت آن آشکار می‌گردد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۸: ۸۳). هدف‌های استراتژی توسعه روستایی در ایران متکی بر اصلهای زیر است:
- کاهش شدت جریان مهاجرت روستاییان به شهر که رابطه متعادلی با توسعه خدمات، صنعت و کشاورزی و..
  - تمرکز یا فشرده کردن جمعیت در محیط روستایی، جهت پدیدآوردن مراکز روستایی بزرگتر تا روستاییان بتوانند تحت پوشش شبکه خدمات قرار گرفته و در عین حال پوشش کافی جمعیتی برای استقرار صنایع در محیط روستایی؛
  - انتظام بخشیدن به زراعت و دامداری در محیط روستا؛
  - تقویت کردن و تنوع بخشیدن به اشتغال غیر کشاورزی در محیط روستا؛
  - توسعه تعاونی‌های زراعی و دامداری در میان روستاییان؛
  - توسعه اراضی اشباع در چارچوب نظام تعاونی جهت بالا بردن میزان تولید (مهدوی، ۱۳۸۷: ۴۳).

ضرورت و اهمیت توسعه روستایی در ایران با توجه به جایگاه، اهمیت و نقش جامعه روستایی و مسائل و مشکلاتی که این جامعه با آن مواجهه است و همچنین با توجه به شرایط کشور کاملاً روشن و آشکار است. طبق آخرین سرشماری جمعیت ایران در سال ۱۳۸۵، حدود ۳۱/۵ درصد از جمعیت کشور که معادل ۲۲۲۲۷۷۷۱ نفر است، در محیط روستایی زندگی می‌کنند (مرکز آمار ایران ۱۳۸۵). هر چند که از ابتدای قرن اخیر بویژه از میانه این قرن به تدریج از سهم جمعیت روستایی کاسته شده و شهرنشینی گسترش یافته اما با توجه به آمار ارائه شده هنوز یک سوم جمعیت ایران در روستاها زندگی می‌کنند. رشد بی‌وقفه جمعیت در نواحی روستایی نیروی کار جوانی را بوجود آورده است که با توجه به فناوری‌های مورد استفاده و نظام‌های رایج اجاره داری زمین و سازمان دهی تولید، بسیار بیشتر از تعدادی است که بتوان به طور مولد در اقتصاد روستایی به کارگمارد. پیامدهای این روندها را می‌توان در محله‌های فقیرنشین، حلبی‌آبادها و سکونتگاه‌های غصبی در نواحی شهری که روز به روز در حال گسترش هستند، در جای جای جهان سوم مشاهده کرد. در آنجا کارگران بیکاری که از نواحی روستایی آمده‌اند ناامیدانه در جستجوی هر نوع کاری (بیشتر در بخش غیررسمی) هستند. روستائیان فقیر در بسیاری موارد با سوء تغذیه و

مشکلات حاد بهداشتی دست به گریبان اند و گاه تعصبات نژادی باعث می‌شود که اغلب در مناطق دور افتاده و مجزا زندگی کنند و دسترسی محدودی به منابع تولید داشته باشند (مهدوی، ۱۳۸۷: ۸۶).

### توسعه پایدار روستایی

آنچه امروزه در مورد توسعه در مناطق روستایی مطرح است، توسعه پایدار روستایی است. توسعه پایدار توسعه ای است که بتواند نیازهای کنونی بشر را تامین کند بدون آن که توانهای محیطی و زیستی نسل های آینده را در تأمین نیازهایشان به مخاطره اندازد. هدف اصلی توسعه پایدار، تأمین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقاء سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم ها و آینده ای امن تر و سعادت‌مندانه‌تر است (آسایش، ۱۳۸۰: ۲۰). توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به عنوان زیر نظام تشکیل دهنده نظام سرزمین است، و پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش موثری در توسعه منطقه ای و ملی داشته باشد (پورطاهری و سجاسی، ۱۳۸۸: ۶). حال اگر به دلایلی در روند پیشرفت و توسعه فضاهای روستایی وقفه ای ایجاد شود، به گونه ای که نظام روستایی قادر به ایفای نقش سازنده خویش در نظام نواحی مرزی و سرزمینی نباشد، در آن صورت آثار و پیامدهای مسایل روستایی در حوزه های شهری و در نهایت در کلیت سرزمین گسترش می‌یابد. از این رو باید به این موضوع اذعان نمود که توسعه پایدار و یکپارچه ملی معطوف به توسعه پایدار در سطوح منطقه ای، شهری و روستایی است. متأسفانه شواهد و تجربیات نشان می‌دهد که به حق و وظیفه توسعه جوامع و فضاهای روستایی، به تناسب سهم، جایگاه و کارکرد آن در اقتصاد ملی، کم توجهی شده و حوزه های روستایی در شرایطی کاملاً نابرابر از جهت دسترسی به فرصتها و منافع حاصل از رشد و توسعه قرار نگرفته اند (افتخاری و طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۴). از این رو تعدیل نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی و سرزمینی در جهت بالندگی جوامع روستایی و تسهیل رشد و ارتقای این جوامع، ضرورتی اساسی و اجتناب ناپذیر محسوب می‌شود (Niebuhr, 2005: 12).

### نتیجه گیری

مرزهای رسمی بین کشورها در بیشتر مناطق جهان مبادی اصلی واردات، صادرات، تبادل و ترانزیت کالاها به شمار می‌آیند. ولی با این وجود، در کشورهایی که دارای تعرفه های بالای گمرکی هستند یا از نظام کنترل دقیق در گمرک و مرزها برخوردار نیستند، بسیاری از کالاها بدون توجه به قوانین موجود به صورت قاچاق از مبادی غیر رسمی وارد و یا از کشور خارج می‌شوند. در این بین یکی از مناطقی که به شدت با چالش قاچاق روبرو است استان آذربایجان غربی می‌باشد. این استان به دلیل داشتن مرز مشترک با سه کشور عراق، ترکیه و جمهوری آذربایجان و شرایط خاص حاکم بر آن کشورها و همچنین نبود فرصتهای اشتغال برای مردمان استان در زمینه های صنعتی، همواره در معرض جدی آسیبهای قاچاق قرار دارد. محرومیت استان، نبود اشتغال پایدار و از طرف دیگر فراهم بودن زمینه های قاچاق، باعث روی آوردن برخی از ساکنان شهرها و روستاهای مرزی به پدیده قاچاق شده است. در این بین راهکاری که برای مبارزه با این پدیده از یک سو و تثبیت جمعیت و توسعه اقتصادی مناطق مرزی از سوی دیگر در نظر گرفته شده است، احداث بازارچه های مرزی در مناطق صفر مرزی مشترک با کشورهای همسایه می‌باشد. بر همین اساس در سال ۱۳۷۵ مجوز احداث بازارچه مرزی قاسم رش در جنوب استان آذربایجان غربی و در ۲۰ کیلومتری شمال غرب شهرستان سردشت صادر شد. این بازارچه با منطقه فدرال کردستان عراق در شمال این کشور دارای مرز مشترک می‌باشد و به خاطر نزدیکی به شهرهای بزرگ شمال عراق نظیر اربیل و سلیمانیه زمینه مناسبی را برای اشتغال ساکنان روستاهای مرزی در امر واردات و صادرات کالا فراهم نموده است. فعالیت این بازارچه در طول این مدت تا حدودی توسعه اقتصادی منطقه را به دنبال داشته است. اشتغال زایی مستقیم و غیر مستقیم در منطقه؛ افزایش سطح رفاه عمومی و بالا رفتن درآمد، کجاش مهاجران از روستاهای مرزی به شهر سردشت و جلوگیری از تخلیه روستاها، کاهش تجارت غیر قانونی و قاچاق کالا و در نهایت افزایش تولیدات در سطح استان و شهرستان جهت صادرات به آن طرف مرز تنها بخشی از مزایای احداث بازارچه مرزی در شهرستان سردشت می‌باشد.



## پیشنهادات

- اهتمام به موارد زیر از سوی مسئولین استان آذربایجان غربی و شهرستان سردشت در زمینه رونق بازارچه و تاثیرات مثبت آن بر امر توسعه روستاهای مرزی مفید فایده خواهد بود :
- گسترش فعالیتهای تولیدی کوچک و همخوان با ویژگی های انسانی و محیطی منطقه برای تولید و صادرات که در این صورت هم سود حاصل از صادرات و همچنین اشتغالزایی در منطقه رونق می یابد و هم زمینه قاچاق کالا نیز کاهش می یابد .
  - با فراهم کردن زیرساختهای لازم در زمینه های حمل و نقل و تورسیم می توان از وجود مسافرانی که برای خرید و فروش کالا به منطقه می آیند برای رونق گردشگری و توسعه آن بهره برد . با عنایت به آن که شهرستان سردشت از جاذبه های طبیعی فراوانی برای جذب توریست و مسافر برخوردار است ، سرمایه گذاری در این زمینه می تواند رونق اقتصادی و فرهنگی شهرستان را به دنبال داشته باشد .
  - در شرایط کنونی به صورت نابرابر فقط گروههای خاصی از تاثیرات اقتصادی مثبت بازارچه سود می برند ، لذا باید با ساز و کارهای ممکن زمینه افزایش مشارکت ساکنان روستا در فعالیت بازارچه را فراهم نمود و با آموزش روشهای تجارت و آشنایی با مقررات صادرات و واردات ، جمعیت ساکن در منطقه را از مزایای بازارچه بیشتر بهره مند گرداند .
  - ارائه تسهیلات ویژه به پيله وران روستاهای منطقه که به علت نداشتن سرمایه اولیه نتوانسته اند از مزایای بازارچه بهره مند شوند .
  - رفع مشکلات مدیریتی بازارچه با تصویب قوانین و مقررات لازم و تبیین دقیق حیطه مسئولیت هر یک از نهادهای حاضر در بازارچه بر اساس اهداف در نظر گرفته شده برای بازارچه .
  - افزایش نشست های مشترک بین مسئولین محلی استان با مسئولین منطقه فدرال کردستان عراق و تعدیل شرایط صادرات و واردات و حذف بوروکراسیهای پیچیده اداری به نفع مناطق مرزی .

## منابع و ماخذ

- آیین نامه تشکیل بازارچه های مرزی ، مصوب شماره ۳۰۵/۵۶۶۸۲ هـ . مورخ ۷۲/۱۱/۷ هیات وزیران .
- اعرابی ، سید محمد (۱۳۸۵) ، دستنامه برنامه ریزی استراتژیک ، دفتر پژوهشهای فرهنگی ، تهران .
- اهداف و وظایف بازارچه های مرزی و نقش گمرک (۱۳۷۸) گمرک جمهوری اسلامی ، شماره ۳۵ .
- پیشرو ، حمدالله (۱۳۷۹) بازارچه های مرزی بوشهر - قطر و تاثیرات مبادلات مرزی در توسعه اقتصادی استان ، دفتر برنامه ریزی و تحقیقات اداره بازرگانی استان بوشهر .
- حسن پور ، یوسف (۱۳۹۰) بررسی زمینه های صادراتی ایران به عراق با رویکرد شاخص پتانسیل صادراتی دوجانبه ، مجله بررسیهای بازرگانی ، شماره ۴۶ ، صص ۸۶-۱۰۰ .
- دیوید ، فرد . آر (۱۳۸۶) مدیریت استراتژیک ، ترجمه : پارسائیان ، علی ، اعرابی ، سید محمد ، دفتر پژوهشهای فرهنگی ، تهران .
- رازینی ، ابراهیم علی ، باستانی ، علیرضا (۱۳۸۱) تحلیلی بر نقش و عملکرد بازارچه های مرزی ، دفتر مطالعات اقتصادی ، معاونت برنامه ریزی و بررسیهای اقتصادی ، تهران .
- شایان ، حمید (۱۳۸۳) تنگناهای توسعه در استانهای مرزی ، پژوهشهای جغرافیایی ، شماره ۴۷ .
- شانی ، مرتضی (۱۳۸۳) برنامه ریزی استراتژیک برای مدیران ، سازمان مدیریت صنعتی ، چاپ اول ، تهران .
- طیبی ، سیدجمال الدین ، ملکی ، محمدرضا (۱۳۸۴) برنامه ریزی استراتژیک ، انتشارات ترمه ، تهران .
- علی احمدی ، علیرضا ، فتح الهی ، مهدی و تاج الدین ، ایرج (۱۳۸۶) نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک رویکردها ، پارادایم ها، مکاتب ، فرایندها ، مدلها ، تکنیکها و ابزار ، انتشارات تولید دانش ، تهران .
- کاپلان ، رابرت و نورتون ، دیوید (۱۳۸۶) نقش استراتژی تبدیل داراییهای نامشهود به پیامدهای مشهود ، ترجمه : اکبری ، حسین ، سلطانی ، مسعود ، ملکی ، امیر ، گروه پژوهشی آریانا ، تهران .
- کاشفی ، حسین (۱۳۸۴) بررسی راههای توسعه بازارچه های مرزی استان کردستان و نقش آنها در اقتصاد استان ، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی .



-گمرک جمهوری اسلامی ، ۱۳۸۷ ، اهداف و وظایف بازارچه های مرزی و نقش گمرک ، شماره ۳۵.

-ماهنامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن (۱۳۹۰) مرز پرویزخان به عنوان مرز مجاز زمینی تعیین شد ، شماره ۵۴ ، تیر ۹۰ ، ص ۶۳.

-Houtum, H (1999), what is the Influence of Borders on Economic Internationalization? In Understanding European Cross-Border Labor Markets, p, De Gijssel, M. Janson; H-J Wenzel: M. Weltering (Ed), pp 107-141.

-Niebuhr, A (2005), the impact of EU enlargement on European border regions, HWWA Discussion Paper, No33, P28.

-Perkamann, M (2003), Border Regions in Europe, Significance and Drivers of Regional Cross – Border Cooperation, European Urban and Regional Studies, Vol. 10, Na 2, pp 156-167.

-Sermak, Agnieszku Brzosko (2007), Theoretical Deliberations on Frontier location of Cities, Bulletin of Geography(Socio-Economic Sires), No, 7, pp 73-869.

-Barrios, B.E. (2008),"Infrastructure and Rural Development: Household Perceptions on Rural Development". Progress in Planning. Vol.70, No.1:1-44.

-Chandoevrit, Worawan, Yongyuth Chalamwong, Sravooth Paitoonpong (2004), Thailand S Cross Border Economy, A Case Study Of Sa Kayoed Chiang Rai, Thailand Development Resource Institute.

